



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۶ اسفند ۱۳۸۹

۲۵ فوریه ۲۰۱۱

محمد فتاحی

نقد ضد رژیم به جنبش

سبز کار ساز نیست

در برخورد به جنبش سبز ابهامتی در صفوف منتقدین چپ این جنبش قابل رویت است که خود را در نقد ناروشن و ضد رژیمی از آن نشان میدهد؛ یکم- جنبش سبز نه محصول نوره انتخابات گذشته که ادامه حرکتی است که از دوران ریاست جمهوری رفسنجانی و با شروع خصوصی سازی ها متولد شد. شروع این پروژه چهره رفسنجانی نزد غرب را تغییر داد؛ نزد غرب، عنوان شخصیت میانه رو برای رفسنجانی محصول شروع این پروژه بود.

این جنبش بعد از دوره رفسنجانی زیر رهبری ختمی پیشروی بیشتری کرده و در پروسه انتخابات دوم خرداد آن سال، دقیقا مانند دوره انتخابات اخیر با قدرت تولد خود را در ابعاد میلیونی اعلام کرد و پیروزی ختمی پیروزی مردم نام گرفت؛ چیزی که در صورت پیروزی موسوی دوباره تکرار می شد. ختمی و دوم خرداد نتوان از یکسره کردن قدرت به نفع این جنبش شد. ناامیدی از ختمی و دوم خرداد برای اصلاحات، این جنبش را پشت سیاست رژیم چنج آمریکا برد.

شکست آمریکا و تغییر توازن نیروهای جهانی و منطقه ای، تغییر اجباری سیاست آمریکا در دوران اوباما و به رسمیت شناختن جمهوری

صفحه ۲

اعتراضات کردستان عراق، پته دولت خودمختار بر روی آب

مصاحبه با عبدالله دارابی دبیر کمیته کردستان حزب حکمتیست

کمونیت: کردستان عراق کماکان صحنه جنگ و جدال خیابانی میان مردم و دولت خودمختار کردستان است. فضای سیاسی شهرهای مختلف کردستان چگونه است. مطالبات مردم کماکان مسئله بیکاری و رفاه است؟

عبدالله دارابی: صحنه جنگ و جدال خیابانی میان مردم و دولت خودمختار در کردستان عراق رو به گسترش است و مبارزه علیه بیکاری و فقر و فلاکت و فضای میلتاریزه شده توسط احزاب حاکم

به عناوین مختلف در خیابانها، میدانی و دانشگاه های سلیمانیه و دیگر شهر های کردستان از جمله حلبجه شهید، رانیه، کویه، چمچمال، کفری، کلار سید صادق و... در جریان است. در این اجتماعات، طبقات و اقشار مختلف جامعه بویژه کارگران، جوانان، معلمان، پزشکان و کارمندان بیمارستانها، روزنامه نگاران، وکلای دادگستری و نویسندگان شرکت دارند. نکته جالب توجه این است در همه اعتراضات تا کنونی، نقش و حضور زنان انقلابی شرکت کننده بر جسته و رو به افزایش است. چنانچه اشاره کردم، خواست و مطالبات مردم کماکان مسئله ایجاد کار و رفاه، بر چین فساد اداری، خروج نیرو های مسلح احزاب به خارج شهر ها و محاکمه مسببین کشتار و زخمی های چند روز اخیر است. طی



چند روز اخیر، مردم مبارز و انقلابی کردستان عراق، با تکیه بر خواست و مطالبات خود میکوشند تا حقوق و اختیارات پیمان شده ۲۰ سال اخیر خودشان توسط دولت خودمختار کردستان را باز یابند و با تکیه بر آن جامعه ای آزاد و برابر و فارغ از ارتجاع و استبداد و ستم و استثمار را برای خود

صفحه ۴

فلسطین، اسرائیل و تاثیر انقلاب تونس و مصر

مصاحبه کمونیست هفتگی با فاتح شیخ



کمونیت هفتگی: اخیرا با استعفای صائب عریقات مذاکره کننده ارشد فلسطینی ها و استعفای سلام فیاض رئیس حکومت و تشکیل مجدد کابینه توسط او، بحث از این است که این تحولات زیر تاثیر انقلاب در تونس و مصر است. صائب عریقات دلیل استعفای خود را افزایش اسناد محرمانه در مورد گفتگوهای صلح خاورمیانه اعلام میکند، که از طریق همکاریش در اختیار تلویزیون الجزیره قرار گرفته است. ماجرا از چه قرار است و دلیل این وضع چه است؟

حسنی مبارک و استعفای سلام فیاض دو روز بعد در دوشنبه ۱۴ فوریه صورت گرفته است. دلیل استعفاها و پیامدهایشان متفاوت است اما فاکتور مشترک پشت هر دو استعفا، هول و هراس حکومت فلسطین از خشم و خیزش جوانان و مردم ناراضی کرانه غربی، در پی پیروزیهای اولیه خیزش انقلابی بویژه در مصر است.

استعفای صائب عریقات بخاطر افشای اسناد محرمانه از روابط و همکاری پنهانی و افضاح آمیز مقامات دولت فلسطین با دولت اسرائیل در کنار و در پوشش مذاکرات صلح بود. این اسناد توسط کانال الجزیره منتشر شد و رسوایی بزرگی برای دستگاه حکومت محمود عباس بیار آورد. صائب عریقات که نمیتوانست اصالت اسناد را انکار کند

فاتح شیخ: بطور قطع تحولات اخیر در حکومت فلسطین از انقلاب تونس و مصر تاثیر مستقیم گرفته است. شاهد روشن اینکه استعفای صائب عریقات در شب ۱۲ فوریه یعنی روز بعد از کناره گیری

کامیار احمدی

گزارشی از اعتراضات اخیر کردستان عراق

ندارد، اما با این حال فعانه شرکت موثری داشته اند و دو نفر از اعضای دفتر سیاسی این حزب به نامهای نوزاد بابان و خالد مجید از دست اندکاران اصلی این تجمع بودند.

تجمع برای روز بعد یعنی ۱۷ فوریه در همان محل فراخوان داده شد. در این روز معترضین و جمعیت حاضر در میدان آزادی سلیمانیه با سردادن شعارهایی در حمایت از تحولات اخیر منطقه و خواندن بیاتیه هایی از سوی برگزار کنندگان این تجمع، صدای اعتراض خویش را به حکومت خودمختار کردستان رساندند. در این بیاتیه ها به وضعیت بد رفاهی و معیشتی مردم، نبود امکانات اولیه برق و آب مناسب، بیکاری وسیع همچنین فساد بی حوصله دستگاه های دولتی اقلیم کردستان اشاره شد.

وعده داد هرگاه روشن شود اسناد از دفتر او درز کرده شخصا مسئولیت آن را به عهده میگیرد و با استعفایش رسما به عهده گرفت. اما اضافه شدن این رسوائی بر معضلات و ناکامیهای قدیمی تر کابینه سلام فیاض باعث شد که او هم با اعلام استعفا کابینه اش را منحل کند.

پرزیننت محمود عباس مجددا فیاض را مامور تشکیل یک کابینه "اداره امور" تا برگزاری انتخابات مجلس قانونگزاری و ریاست جمهوری در ماه سپتامبر کرد. کابینه جدید فیاض هم مثل کابینه های چهار سال گذشته مرکب از تکنوکراتهای مستقل از الفتح و احزاب متحد فتح است. اولین کابینه فیاض در ژوئیه ۲۰۰۷ در پی انفصال حماس و فتح و برکناری اسماعیل هنیه توسط محمود عباس، با عنوان کابینه "اوضاع فوق العاده" تشکیل شد که بنا به قوانین معمول فلسطین میبایست ظرف مدت معینی به کابینه "اداره امور" تبدیل شود و

صفحه ۳



اعتراض و تجمع به شیوه آرامی به پایان رسید. اما پس از اینکه پلیس "اسلیش" حزب اتحادیه میهنی که مسئول امنیت شهر سلیمانیه است، با اتمام رسیدن تظاهرات محل را ترک کرد. عده ای از جوانان معترض به سمت مقر شاخه ۴ حزب دمکرات کردستان که در ۵۰۰ متری میدان آزادی - محل تجمع - واقع است رفتند و علیه حزب

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نقد ضد رژیم به جنبش

شعار را آزادی بگیرد باید در آن شرکت کرد. اگر جنبش سبز در مناطقی از ایران که شیعه گری و الله و اکبر در سیاست خریداری ندارد، گسترش پیدا کند، میتواند این شعار را نور بریزد. در جایی مانند کردستان که ناسیونالیست های کرد برای پیوند جنبش شان به سبز تقلا میکنند، به دلیل فضای سیاسی سکولار آن منطقه، در صورت گسترش سبز به آنجا، شعار الله و اکبر نور ریخته شده و با شعار عام آزادی جایگزین میشود. نتیجتاً مشکل این شعار هم حل میشود. در اینصورت کسی که نقد ریشه ای به سبز ندارد، تسلیم جنبش سبز با صف جدید و شعار متفاوت و بافت سکولار آن میشود.

سوم- حضور عناصر و شخصیت های سابق نظام هم عیب اصلی این جنبش نیست چون در کنار آن ۹۰ درصد احزاب سیاسی اپوزیسیون در این جنبش شریک و بخشا در نقش رهبر فکری و عملی اند و به آن نیرو و سرباز میدهند.

از این زاویه اگر یک حزب یا شخصیت سابقاً مخالف نظام رهبرش بود نقد از زاویه حضور رهبران سابق نظام از حقانیت می افتاد.

چهارم- ایراد سبز حتی شعار مرگ بر دیکتاتور هم نیست. این شعار در دستان مردم مصر خیلی هم انقلابی بود. در نظر بگیرید روزی کارگر در ایران با این شعار فرمان حرکت سراسری بدهد، آیا ما با سر در آن شرکت نمی کنیم و در جهت تکمیل شعار هم اگر لازم بود نمی کوشیم؟ این جنبش حتی اگر مرگ بر تمام جمهوری اسلامی بدهد حقانیت ندارد، همانطوریکه جنبش سرنگونی دوران سیاست رژیم چنچ بوش برای ما حقانیتی نداشته و یک جنبش دست راستی بود. جنبش های ملی و قومی در اقصا نقاط ایران در دوره ای طولانی خیلی هم سرنگونی طلب بودند ولی مگر مورد حمایت ما قرار گرفتند؟ جنبش میلیونی ناسیونالیستی در آذربایجان سرنگونی میخواست ولی در عین حال مورد افشاگری ما هم بود.

این شعار هم یک جنبش حق طلب و عدالتخواه هم میتواند سراغ نتیجه رای خود از سر توم به انتخابات یا به دلیل شرکت مشروع در یک انتخابات برود. در نظر بگیرید فردا در انتخابات پارلمانی مصر اتحادیه های کارگری شرکت کنند و روز بعد در اعتراض به نتیجه انتخابات به خیابان بریزند. آیا پاسخ همین است که به ارتجاع سبز دادیم؟

اعتراض به شعار الله و اکبر هم یک موضع انتقادی جدی نیست. این شعار را مردم انقلابی مصر هم که علیه فقر و فساد و استبداد مشغول انقلاب اند، در مواردی میدانند و در میدان تحریر نماز هم میخوانند. نتیجتاً کسی که به این شعار بیش از وزن خود گیر میدهد، برای علت حمایت ما از جنبش انقلابی مصری دلیل ممانند.

منتقدینی فکر میکنند اگر جای این مبارزه و کشمکش طبقاتی است. جدالی بی وقفه، گاه آشکار و گاه پنهان، میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت ستم در ادوار و جوامع مختلف در جریان بوده است. این جدال طبقاتی است که منشاء اصلی تحول و تغییر در جامعه است.

برخلاف جوامع پیشین که عموماً بر سلسله مراتب طبقاتی و قنربندی های پیچیده ای بنا شده بودند، جامعه مدرن سرمایه داری تقسیم طبقاتی را بسیار ساده کرده است. جامعه معاصر، علیرغم تنوع وسیع مشاغل و تقسیم کار گسترده، بطور کلی بر محور دو اردوگاه طبقاتی اصلی که رودرروی یکدیگر قرار گرفته اند سازمان یافته است: کارگران و سرمایه داران،

پرولتاریا و بورژوازی. تقابل این دو اردوگاه در پایه ای ترین سطح سرمنشاء و مبنای کلیه کشمکش های اقتصادی، سیاسی و حقوقی و فکری و فرهنگی متنوعی است که در جامعه معاصر در جریان است. نه فقط حیات سیاسی و اقتصادی جامعه، بلکه حتی زندگی فرهنگی و فکری و علمی انسان امروز که بظاهر قلمروهایی مستقل و ماوراء طبقاتی بنظر میرسند، مهر این صفتبندی محوری در جامعه مدرن سرمایه داری را بر خود دارند. اردوی پرولتاریا، اردوی کارگران، با همه تنوع افکار و ایده آله و گرایشات و احزابی که در آن وجود دارد، نماینده

تغییر و با تعدیل نظام موجود به نفع توده محروم و تحت ستم در جامعه

است. اردوی بورژوازی، باز با کلیه مکتب و احزاب سیاسی و متفکرین و شخصیت های رنگارنگش، خواهان حفظ ارکان وضع موجود است و در مقابل فشار آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری از نظام سرمایه داری و قدرت و امتیازات اقتصادی و سیاسی بورژوازی دفاع میکند.

کمونیسم کارگری از این مبارزه طبقاتی سر بر میکند. صفی در اردوگاه پرولتاریاست. کمونیسم کارگری جنبش انقلابی طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه داری و ایجاد یک جامعه نوین بدون طبقه و بدون استثمار است.

از برنامه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

فلسطین، اسرائیل و تاثیر انقلاب...

مردم فلسطین و دولت اسرائیل را به کلی عوض کرد. نسل جوان امروز نسل بیکاران دوره حاکمیت حکومت کنونی فلسطین هستند و علاوه بر لبریز شدن نفرتشان علیه اشغالگری و فاشیسم اسرائیل، از خشم و نفرت نسبت به حاکمیت فاسد و مستبد حکومت فلسطین هم لبریزند خشمی که هر آن ممکن است منفجر شود.

کمونیسٹ ہفتگی: بعد از تحولات تونس و مصر، ہمہ شاهد نگرانیہائی از جانب دولت اسرائیل هستند. بودجه نظامی اسرائیل ۱۳۸ میلیون یورو افزایش یافته است. در میان مقامات اسرائیل و ناتو و حتی پیوستن اسرائیل به ناتو هست، چرا افزایش بودجه خود باقی میماند. علاوه بر این نظامی و پیوستن به ناتو؟ آیا تحولات فاکتورهای منفی سیاسی، کارنامه دولت فلسطین در کرانه غربی از نظر اقتصاد و معیشت مردم هم منفی است. اگر

اگر **فاتح شیخ:** نگرانی اسرائیل واقعی حماس وضعیت فلاکتبار معیشت یک و نیم میلیون مردم غزه را به محاصره اقتصادی توسط اسرائیل توجیه میکند، حکومت فیاض که از فیض کمکهای اقتصادی غرب و سازمان ملل و دولتهای عرب برخوردار است و در محاصره هم نیست، جز توسل به "مسالہ فلسطین" و وعده "صلح" با اسرائیل توجیه دیگری برای وخامت روزافزون اقتصاد و معیشت مردم کرانه غربی ندارد. بنابراین چاره ای نداشتند جز اینکه رسوایی حاصل از انتشار اسناد همکاری اقتضاح آلودشان با مقامات امنیتی اسرائیل را با قربانی کردن دیپلمات سابقه دار صائب عریقات زیر فرش کردند و با وعده انتخابات در سپتامبر، برای بقای عمر حکومتشان و فرار از خشم جوانان و مردم محروم وقت بخرند.

در این میان وتوی آمریکا بر قطعنامه شورای امنیت در محکومیت ادامه شهرکسازی دولت اسرائیل، به داد سلام فیاض و محمود عباس رسید. این روزها در اعتراض به وتوی آمریکا تظاهراتی دولتی براه انداخته اند و تلاش میکنند که با برگزاری اعتراضات بطور موقت هم شده یک بار دیگر از "مسالہ فلسطین" برای جلوگیری از انفجار خشم و ناراضی عمومی مردم و بویژه جوانان بهره برداری کنند.

بخش اعظم بیکاری ۲۵ درصدی کرانه غربی سهم جوانان است و در غزه هم نرخ بیکاری بیش از دو برابر آن است. بعلاوه این نسل جدیدی بعد از نسل "انتفاضہ" فلسطین است. در سال ۱۹۸۷ نسل "انتفاضہ" درست بیست سال بعد از جنگ شش روزه اسرائیل و اعراب به میدان آمد و معادلات بین

گزارشی از اعتراضات اخیر...

از زخمی ها به اسم "سورکیو زاهد" بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد و همزمان در شهر رانیہ نیز درگیرها بین پلیس و مردم رویداد که ۹ نفر زخمی شدند. ۸ نفر از زخمی شدگان نیز با شلیک مستقیم گلوله زخمی شده بودند.

در روزهای بعدی تا این تاریخ یعنی ۲۲ فوریه هر روز معترضین در میدان آزادی شهر سلیمانیه تجمع اعتراضی خود را انجام می دهند. هر روز بر شمار شرکت کنندگان افزوده می شود. شمار زیادی از روشنفکران کردستان و مجازی مانند فیس بوک و تویتر دیده اند، از ناحیه سر مضروب شد، تا این زمان در کما به سر می برد.

بعد از گذشت ساعتی از تیراندازی شاخه ۴ حزب کردستان عراق و با فرا رسیدن شب واعلام مقرارت منع آمد شد از ۷ بعدظهر تا ۷ صبح روز بعد، اما مردم معترض سلیمانیه حاضر به ترک خیابانها نشدند و به شدت درخواست خروج سریع نیروهای مقرر از سلیمانیه و تحویل عاملین تیراندازی به مقامات قضایی شدند. که حکومت اقلیم از پذیرفتن این خواسته ها سر باز زد، و از رسانه های خود مدام معترضین را آشوبگر خطاب کرد و تیراندازی نظامیان شاخه ۴ حزب دمکرات کردستان را دفاع از خود خواند.

در روز ۱۹ فوریه کل فضای شهر امنیتی شد. نیروهای نظامی حکومت خودمختار کردستان از شهرهای دیگر به سلیمانیه وارد شدند. یکی از ساختمانهای حزب "گوران" (تغییر) در هولیر آتش گرفت. رسانه های دولتی مدام معترضین را آشوبگر خواندند. مردم خشمگین از درگیریهای روز گذشته با فراخوان احزاب و سازمانهای گروه های سیاسی و اجتماعی مختلف بخصوص حزب کمونیست کارگری کردستان دوباره خود را برای تجمع در

میدان آزادی در روز ۲۰ فوریه آماده می کردند. دامنه اعتراضات به شهرهای رانیہ و دربندیخان نیز کشیده شد. مردم و جوانان رانیہ از حرکت کامیونهای حمل سوخت به سلیمانیه جلوگیری کردند.

در روز ۲۰ فوریه مردمی که برای تجمع این روز به طرف میدان اصلی شهر حرکت می کردند با پلیس که از رقتن به میدان جلوگیری می کرد، درگیر شدند. پلیس ضد شورش با گاز اشک آور و باتوم به معترضین حمله کرد. دامنه ی درگیریها به خیابانها اصلی شهر و حتی به کوچه پس کوچه های شهر کشیده شد. در این درگیریها ۴۸ نفر زخمی شدند که ۱۱ نفر از آنها با گلوله مستقیم زخمی شده بودند. یکی

در این مدت همزمان با این اعتراضات در کردستان عراق، تظاهرات وسیعی در شهرهای اروپایی از جمله لندن و سوئد و... از سوی احزاب سیاسی و گروه های سیاسی و اجتماعی بر علیه حکومت اقلیم کردستان شکل گرفت.

در پایان آخرین خواسته معترضین میدان آزادی سلیمانیه که توسط نوزاد بابان عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق و از فراخوان دهنده گان و مجریان اصلی برپایی اعتراضات است، خوانده شد، آورد می شود.

خواسته معترضین میدان آزادی شهر سلیمانیه: در جهت آرام شدن اوضاع سیاسی اکنون کردستان، لازم است

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعتراضات کردستان عراق...

بنا نهند.

کمونست هفتگی: تاثیر این اتفاقات در کردستان ایران چیست؟ احزاب ناسیونالیست کرد در ایران چه موضعی در مقابل این اتفاقات گرفته اند؟

عبداله دارابی: تاثیرات مثبت این اتفاقات در کردستان ایران قابل اغماض نیست چون زمین را زیر پای همه استعمارگران و دیکتاتور های ریز و درشت منطقه داغ کرده است. ولی در شرایط حاضر باید تاثیرات اتفاقات کردستان عراق را در ایجاد و برقراری فضای انقلابی و آزادیخواهانه توسط میلیونها کارگر و زحمتکش و جوان انقلابی در سطح منطقه خاورمیانه ضرب کرد و با اثر گذاری بمراتب بزرگتری بسراغ مردم ایران و کردستان ایران رفت. بی تردید تاثیرات این اتفاقات رو مردم کردستان ایران کاملاً قابل لمس است چون از ۳۲ سال قبل تا کنون با خمیر مایه انباشت شده این انفجار آشنا هستند و با بانی و مسببین اصلی آن نیز در جنگ و جدال بسر می برند. ترس ناشی از سیر تاثیرات مثبت و رو به رشد این اتفاقات، تنها جناحهای سبز و سیاه رژیم اسلامی را مضطرب نکرده، احزاب ناسیونالیست و قوم پرست کردستان ایران را نیز بیشتر از هر کس دیگری شوکه و نگران ساخته است. اینها از بازتاب عملی این رویداد انقلابی در کردستان ایران بشدت بیمناکند و می ترسند اثرات این اتفاقات، به چالشی بزرگ در سر راه آنها هم تبدیل شود چون ماهیت و مضمون و جنس و عملکرد آنها با احزاب برادر خود در آنسوی مرز یکی است و هیچ تفاوتی با هم ندارند. بهمین خاطر، بجای همدردی و همسرنوشتی با مردم کردستان عراق، سه روز قبل شاهد فرخاوان مشترک آنان با جناح سبز رژیم بودیم که در آن از مردم کردستان ایران خواستند با آمنشان به خیابانها جناح سبز جمهوری اسلامی را تقویت کنند که خوشبختانه مردم به حرف آنها وقع نه نهاد و دست رد به سینه آنها زد.

احزاب ناسیونالیست و قوم پرست کردستان ایران، عامدانه و آگاهانه در برابر رویداد های چند روز اخیر مردم کردستان عراق سکوت پیشه کرده و هیچ عکس العملی نسبت به آن از خود نشان ندادند. چون خوب میدانند سرنوشت تلخ امروز احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق،

دیر یا زود به سناریو سرنوشت آتی خود آنها نیز تبدیل خواهد شد. چون هویت و آرمان و اهداف همه آنها یکی است و در این چوار چوب سر سوزنی

با همدیگر تفاوت ندارند. و اگر دیر یا زود بتوانند از در سازش و بند و بست و راز پنهانی آنان را فاش ساختن و با هر بخشی از جناحهای بورژوازی هار و ارتجاعی حاکم بر ایران به توافق برسند بدون هیچ اما و اگری در استعمار و سرکوب کارگر و مردم آزادیخواه کردستان ایران کوتاهی نخواهند کرد و همراه با حکومت مرکزی ایران بمراتب بنتر از سناریوی کشتار هفده فوریه شهر سلیمانیه را در کردستان ایران تکرار خواهند کرد چون در این زمینه از قابلیت و ظرفیت بالایی برخوردارند و تاریخ ۳۲ سال قبل آنها هم گواه غیر قابل انکار این واقعات است. این نکته را هم بخاطر داشته باشیم که، کارگر و مردم آزادیخواه کردستان ایران بید از هم اکنون به این امر واقف باشند احزاب ناسیونالیست و قوم پرست کردستان ایران هم منافع طبقاتی خودشان را در صدر همه ادعا های پوچ و توخالی خود قرار داده و اجرا و پیشبرد آنها بر منافع مردم کردستان ترجیح میدهند و هیچوقت سرنوشت تلخ امروز احزاب برادرشان در کردستان عراق را هم به درس عبرت برای آینده خود تبدیل نخواهند کرد و از آن نیز هیچ پند و اندرزی خوبی نخواهند گرفت. چون همزمان با گسترش اعتراضات عمومی و بر حق مردم کردستان عراق، آنها در راستای سرنوشت آتی خویش شتابان به یاری بخشی از ارتجاع حاکم بر ایران شتافته و بقا و ماندگاری ضد انسانی آنها را بر خواست و مطالبات بر حق مردم کردستان ایران ترجیح دادند و بدین وسیله به راهی پا گذاشتند که احزاب برادرشان در کردستان عراق ۲۰ سال آغاز کرد.

کمونست هفتگی: خطاب شما به مردم کردستان در ایران چیست؟

عبداله دارابی: فضای انقلابی یک ماه و نیم اخیر و مبارزات آزادیخواهانه میلیونها کارگر و زحمتکش و جوان منتظر از وضع موجود در سطح منطقه، چنان غیر مترقبه بود که همه سران ریز و درشت نظام سرمایه داری غافلگیر نمود. در مقابل نیز همه کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر جهان از آن انرژی و قوت قلب گرفتند. زمینه بکار گرفتن این انرژی انقلابی در کردستان ایران هم فرا رسیده که باید علیه کل موجودیت رژیم اسلامی ایران بکار گرفته شود و با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، زمین را زیر پای همه احزاب ناسیونالیست و قوم پرست و همه نیرو های سناریو سیاهی گرم کرد.

مبارزه ۵ روز اخیر کارگران و مردم آزادیخواه کردستان عراق، پته چندین دهه دروغ و ریا کاری احزاب ناسیونالیست و قوم پرست کردستان را

گزارشی از اعتراضات اخیر ...

سریعا به این خواسته های معترضان جواب مثبت داده شود:

۱- تعطیل کردن سریع تمام پایگاههای نظامی احزاب و جمع کردن تمام پاسگاههای ایست و بازرسی در محله ها

۲- منحل و ممنوع کردن تمام نیروهای میلیشیای احزاب و سازمانها و نهادهای سرکوبگر و امنیتی، بخصوص سازمان حفاظت و اطلاعات

۳- تخصیص و افزایش حداقل دستمزد کارهرا به یک میلیون دینار

۴- ایجاد شغل و فرصتهای شغلی و یا بیمه بیکاری

۵- بیمه بهداشت

۶- لغو قانون منع تظاهرات

۷- لغو قانون چندمصری

۸- رفع معضل برق وامکان برخورداری از برق ۲۴ ساعته و همچنین سوخت به صورت رایگان

۹- آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی اعتراضات و تجمعات و اعتصاب

۱۰- گرفتن امکانات و سرمایه های مالی و مادی تمام احزاب و افراد حکومتی که از راه استفاده از قدرت و فساد حکومتی بدست آورده اند

در برابر چشمان مردم رو آب انداختن و راز پنهانی آنان را فاش ساختن و طبل رسوایی آنها را در انظار افکار عمومی جهان بصدا در آورد. تحرک انقلابی ۵ روز مردم کردستان عراق نشان داد که پرچم ناسیونالیست و قوم پرستان کرد، پرچم سیاست های ارتجاعی و ضد کارگری اقلیت نا چیزی از بورژوازی جامعه کردستان است که آنرا تحت نام واژه های پوچ و تو خالی چون " کردایتی، ملت کرد، ... " به خورد مردم داده اند و بوسیله آن بچشم کارگر و مردم زحمتکش خاک پاشیده اند و آنرا فریب داده اند. واقعات ۵ روز اخیر کردستان عراق نشان داد که آزموده را آزمون خطاست. کارگر و مردم آزادیخواه کردستان نباید اجازه دهند تحت هیچ عنوانی سناریوی حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران به آزمون گذاشته شود و بدینوسیله فقر و فساد و بیکاری بی عدالتی و بی قانونی و نا امنی مطلق زندگی روزمره شهروندان کردستان ایران را در پرتگاه نا بودی قرار دهد. منافع سرمایه داران هم زبانی و قومیت و ملت و همسرنوشتی با کارگران همزبان خویش و... را برسمیت نمی شناسد و حاضر نیست سود و سرمایه به جیب زده ناشی از دسترنج کارگران را با هیچ یک از آنان تقسیم کند.

مردم مبارز کردستان ایران همراه با کارگران و سایر آزادیخواهان در سراسر ایران، مسیر آزادیخواهانه و انقلابی مردم تونس و مصر و لیبی و یمن و کردستان عراق را الگوی مبارزات خود قرار دهند و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بمیدان آیند و با جمع شدن زیر چتر سیاست های رادیکال کارگری و سوسیالیستی عرصه را بر بورژوازی ملی و اسلامی بعد از سرنگونی رژیم که هم اکنون در کمین نشسته اند تنگ کنید و بدینوسیله یک بار برای همیشه ستم و استعمار و فقر و بیکاری و نا امنی را از محیط کار و زندگیتان بر چینید.

نشریه حزب کمونست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونست را بخوانید

کمونست را بدست کارگران برسانید

کمونست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونست کمک مالی کنید



زنده باد سوسیالیسم